

عنصر جمهوریت
و عنصر عدالت
نه فقط در حوزه
مبانی، بلکه در
حوزه هنجارهای
بومی نیز در پایایی و
کارآمدی نظام مؤثر
هستند و باید آن را
به گونه‌ای بازخوانی
کرد که نظام‌ها را از
استمرار و پایایی باز
ندارد و بقای آن‌ها را
تضمین کند.

همین طور است. حتی در حوزه روابط فردی هم همین طور است یعنی نوع نظام زندگی شخصی نیز ممکن است به این عرصه مرتبط شود؛ برای مثال مقدار حقوق فرد، مسئله‌ای شخصی است اما برای اینکه بحث مالیات دادن پدید می‌آید، به مسئله حکومتی تبدیل می‌شود؛ لذا فقه حکومتی بیشتر یک رویکرد استنباطی در حوزه فقه است که به غرض استنباط برای اداره حکومت شکل می‌گیرد. به طبع اگر فقه سیاسی به موضوعات مرتبط با حوزه سیاست محدود می‌شد، اینجا دیگر محدودیتی به حوزه سیاست ندارد و همه ابواب فقه از اول تا آخر را در برمی‌گیرد تنها با این تفاوت که در حوزه فقه حکومتی ناظر به نظام و اداره حکومت باید استنباط شود، اما فقه غیرحکومتی که می‌توان از آن به فقه فردی تعبیری کرد نوعی از استنباط است که به مکلف عنایت دارد و نه ضرورتاً به این شکل که این مکلف یکی از شهروندان جامعه باشد.

باید در نظر داشت که فقه، امری جدا از جامعه و امری انتزاعی نیست و نخواهد بود؛ یعنی اگر ما از فقه صحبت می‌کنیم، از فقهی می‌گوییم که ناظر بر مسائل و موضوعات موجود زمانه خودش سخن می‌گوید. اگرچه برخی از مباحث حوزه فقه، فرازمانی، فرامکانی و به منزله امور ثابت تلقی می‌شوند (مثل حوزه عبادات، مناسک، طهارات)، عمده مباحث فقهی، مباحثی است که ناظر بر موضوعات جامعه و موضوعات نوپدید شکل می‌گیرند. اگر از کارکرد فقه در حوزه مثلاً سیاست، اجتماع و مباحث نوپدید صحبت می‌شود، باید گفت که فقه در هر زمانی با مسائل نوپدید زمان خودش مواجه است؛ یعنی فقه قرن چهارم مسائل نوپدید خودش را دارد و فقه زمان مرحوم علامه حلی مباحث نوپدید خودش را، فقه قرن سیزدهم مرحوم شیخ انصاری صاحب جواهر، موضوعات و مسائل خودش را دارد و فقه مشروطیت و زمان ما نیز همین طور؛ بنابراین فقه همواره ناظر بر مسائل و موضوعات زمان خودش است. فقه، فرزند زمانه خودش است؛ چراکه اگر غیر از این باشد، استنباط مناسبی صورت نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، از ویژگی‌های فقه، روزآمدی آن است؛ چون فقه باید به پرسش‌هایی ناظر بر رفتارهای موجود در جامعه پاسخ بدهد نه رفتارهای زمان گذشته. در هر حوزه‌ای اگر موضوعات تغییر می‌کند، اگر مسائل جدیدی ایجاد می‌شود، که طبیعتاً در هر دوره و زمانه‌ای این اتفاق افتاده است، توسط فقه پاسخ داده شده است؛ لذا به تعبیر مقام معظم رهبری شما می‌بینید که فقه هر فقهی نسبت به زمان قبل از خودش تحول دارد.

وقتی گفته می‌شود فقه معاصر نسبت به زمان قبل خود یک گام به جلو است، نباید آن را محدود به زمان خاصی مثلاً مشروطه کرد. نه به اعتبار اینکه آن زمان منشأ تحول بوده است، آن زمان موضوعات جدیدی وارد جامعه می‌شود که پیش از ورود به جامعه شیعی یا ایرانی، در حوزه مشرق زمین یا جهان اسلام مطرح شده بود. قبل از کتاب تنبیه الامه نائینی، ما کتاب طبایع الاستبداد